

فرهنگ ، ادبیات ، آزادی بیان و کرامت  
انسانی چیست؟؟؟

{ حرفهای ناگفته یی از وضعیت رسانه ها  
و آزادی بیان در جامعه افغانها در داخل  
و خارج از کشور }

بخش ششم و پایانی - تهیه و پژوهش (   
زیمیر و اسکاری )



## رسانه ها و آزادی بیان در افغانستان



آزادی بیان محترم است، چون آزادی آدمی محترم است و آزادی آدمی محترم است چون آدمی خود  
محترم است و اگر تیغ آزادی جامه حرمت آدمی را چاک کند چه جای تیز کردن آن تیغ برهنه  
است؟ آزادی بیان نه یگانه حق آدمی است و نه برترین حقوق او. و اگر با دیگر حقوق آدمیان  
موزون و مقید نشود، قامت حقوق را ناساز و بی اندام خواهد کرد. آزادی نه یک مرکب شخصی

## بل یک مسابقه جمعی است و آنکه با نقض قواعد این بازی چراغ رقابت خردورزان را خاموش می کند، از خرد و آزادی چه بر جای خواهد گذاشت؟. از اعلامیه ملل متحد.

دموکراسی اغلب به عنوان حکومت مردم بر مردم یا مردم سالاری تعریف می شود به گونه بی که مردم این گونه جوامع قادرند حاکمان خویش را برگزینند یا قدرت را از آنان بازستانند. دموکراسی در این تعریف، بیش از هر چیز، دارای معنایی سیاسی است و بر این اساس کوشندگان دموکراسی خواه را می توان «فعالان سیاسی» نیز نامید. دموکراسی نیز همچون بسیاری دیگر از مفاهیم علوم انسانی، از پیچیدگی های خاصی برخوردار است و از این رو اغلب برای تبیین این مفهوم، به مهمترین و بنیادی ترین مولفه های آن اشاره می شود. حزب، انتخابات آزاد، گردش نخبگان، تفکیک قوا، آزادی های قلم و بیان و عقیده، رقابت و مشارکت، گردش آزاد اطلاعات، آزادی های اجتماعات و کثرت گرایی را می توان از جمله الزامات اولیه و اساسی برای برقراری دموکراسی دانست. به بیانی دیگر، دموکراسی یک نوع تکنولوژی سیاسی است که در آن اقتدار سیاسی از طریق رقابت و مشارکت در انتخابات و به وسیله احزاب سیاسی و در شرایط رضایت اکثریت مردم شکل می گیرد. با این وجود اما تلقی صرفاً سیاسی از دموکراسی و محدود ساختن آن در تنگنای عرصه سیاست، چیزی جز «تقلیل گرایی» و تلقی حداقلی از آن نیست. به عبارت بهتر، دموکراسی را می توان در سایر عرصه ها نیز پی گرفت؛ عرصه هایی که برون از دایره مناسبات سیاسی و آمال قدرت مآبانه قرار می گیرند.

احترام به «تفاوت»؛ سنگ بنای دموکراسی

تاکنون هیچ تعریفی از دموکراسی نتوانسته نسبت به اهمیت کثرت گرایی سیاسی چشم فروبندد. کثرت گرایی یا پلورالیسم سیاسی گرچه مورد ستایش فعالان سیاسی دموکراسی خواه قرار می گیرد اما دارای جنبه هایی است که به عرصه های غیرسیاسی نیز مربوط می شوند. اگرچه کثرت گرایی در عرصه سیاسی به تعدد احزاب، مطبوعات، جناح ها و گروه ها می انجامد اما این مفهوم در گستره بی وسیع تر، تایید و تاکید است بر اصل «تفاوت». بر همین اساس، نظامی را می توان «دموکراتیک» دانست که به تفاوت دیدگاه ها با دیده احترام می نگرد. اهمیت این بحث در آنجاست که احترام به تفاوت، غیریت و دیگربودگی دیگران را باید مقدمه بی برای یک زندگی مسالمت آمیز و عاری از تنش و خشونت دانست.

این مفهوم نه تنها در مقیاس بزرگ رابطه حکومت و مردم، بلکه در گستره بی کوچک همچون رابطه پدر و فرزند یا رابطه با همسر نیز قابل پیگیری و ارزیابی است. از این رو، بازتعریف اصل «تفاوت» و تامل در آن می تواند دریچه بی نوین به روی انسان باز کند و البته همه عرصه های زندگی او را دربرگیرد. بدین گونه است که دموکراسی از یک «شیوه حکومت یا مدل اداره جامعه» به یک «الگوی زندگی یا شیوه زیست» تبدیل می شود. پس بیراه نیست که به باور اندیشمندانی همچون «یورگن هابرماس»، تربیت «انسان دموکراتیک» مقدمه بی است برای یک حکومت دموکراتیک. یکی از دست آوردها و اصول مهم دموکراسی آزادی بیان و آزادی رسانه ها است که متأسفانه در کشور ما همانطوریکه دموکراسی اش وارداتی است آزادی و آزاداندیشی نیز باینهمه بیدادگری و بنیادگرایی به پاره گویی شباهت دارد.

آزادی بزرگترین ودیعه طبیعی انسان است، انسان های متفکر و دانشمند می گویند:

«انسان آزاد خلق شده و باید از قیود آزاد باشد.»

عده بی به این عقیده اند، که انسان موجود اجتماعیت و مجبوریه رعایت يك سلسله قواعد و قوانین است که خود برای بهتر زیستن در طول زمانه ها مطرح ساخته است. در ماده بیست و چهارم قانون اساسی در این مورد می خوانیم: «آزادی حق طبیعی انسان است، این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدود ندارد.»

آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است.

دولت ها به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.

در فرهنگ پارسی این کلمه به معنی های حریت، آزاده گی، رقیبت، آزادی عبودیت، رهایی و خلاصی آمده است. و آزادیخواهی را فرد آزادی طلب دوستدار آزادی، و طرفدار آزادی فردی می توان خواند. آزادی بیان یا آزادی مطبوعات هم از حقوق مسلم شناخته شده بشر است. تمام اجتماعات انسان های پیشرو در سراسر جهان، از آزادی بیان پیوسته حمایت و پشتیبانی کرده اند و می کنند.

عده بی تصور داشته ویا دارند که آزادی اندیشه همیشه وجود دارد، این ودیعه خداوندی را کسی نمی تواند از دیگری بریاید، هرگاه به این عمل مبادرت کنند، شاید برای مدتی آن را سلب کرده بتوانند و آن هم برای غضب کننده گان بسیار گران تمام می شود.

آزادی بیان، کمکی در راه تغییر اوضاع به شمار می رود، و هر قدر مطبوعات کشوری آزاد باشد به همان اندازه نیز آن کشور در محو دیکتاتوری های که همه نوع اشکال بیان در آن سرکوب می شود، سهم ارزنده را بازی میکند. اصل آزادی مطبوعات بیش از دو قرن، پس از اختراع چاپ و حدود يك قرن بعد از انتشار نخستین روزنامه های چاپی جهان در غرب، به دنبال مبارزات طولانی بورژوازی آزادی جوی اروپا و امریکا، ابتدا با لغو «قانون مربوط به اجازه چاپ و سانسور مطبوعات» در انگلستان در سال 1695 م و سپس به طور وسیع تر و کامل تر در فرانسه و ایالات متحده امریکا به رسمیت شناخته شد و در طول قرن های نهم و بیستم، به تدریج در اکثر کشور

های دنیا پذیرفته گردید تا آنجا که پس از گسترش اندیشه سوسیالیسم و ایجاد نخستین ممالک سوسیالیستی، با آنکه برداشت و استنباط نظام آزادی گرای سرمایه داری و نظام برابری سوسیالیستی در باره آزادی ها متفاوت است، در قوانین اساسی کشورهای اخیر نیز موضوع آزادی مطبوعات مانند سایر مظاهر آزادی عقیده و بیان پیش بینی شد.

لازم به یاد آوریست که در بسیاری از قوانین اساسی دنیا، تنها به اعلام کردن و به رسمیت شناختن آزادی مطبوعات اکتفا نگردیده است، بلکه برای جلوگیری از هرگونه تهدید و تجاوز علیه این آزادی ضرورت تامین و تضمین آن نیز تصریح شده است.

**آزادی اطلاعات و مطبوعات از حقوق اساسی انسان است، و معیاری برای همه آزادیهای مندرج در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر می باشد؛ و برای ترویج و حفظ صلح ضروری است. این آزادی هنگامی بهتر تضمین می گردد که خدمه مطبوعات و سایر رسانه های جمعی بطور مستمر و داوطلبانه سعی کنند که بیشترین حس مسئولیت را داشته باشند، عمیقاً به تعهدات اخلاقی ناشی از لزوم راست گویی و جستجوی حقیقت در گزارشات خود و در توجیه و تفسیر حقایق پای بند باشند. به همین جهت این قواعد اخلاق حرفه ای بین المللی، به عنوان معیار رفتار حرفه ای برای همه افراد دست اندرکار جمع آوری، ارسال، پخش و تفسیر اخبار و اطلاعات و تشریح وقایع معاصر توسط کلمات، مطالب شفاهی و کلیه طرق بیان، اعلام می گردد.**

قانون اساسی آزادی بیان را حق طبیعی هر افغان دانسته، بیان افکار را با هر وسیله ای جایز می شمارد. وزارت اطلاعات و کلتور و قانون رسانه ها بر این امر پافشاری کرده، سانسور قبل و بعد از نشر را مغایر دموکراسی و آزادی بیان می دانند. اوضاع پرتنش کشور طی تقریباً سه دهه اخیر تعدادی از روشنفکران و نویسندگان ما را به چنان جینی کشانده اند که از قلم های شان جز خنثی نویسی چیزی تراوش نمی کنند. مردمی که هزاران داغ بر دل گرفته، گفتنی های بیشماری در سینه دارند که با بی امنیتی و حاکمیت تفنگ قادر به بیان شان نیستند. تفنگسالاران دشمنان آزادی بیان بوده، تلاش دارند هر صدایی را در گلو خفه نمایند.

این جمله که - من به کسی اجازه نمی دهم از گذشته صحبت کند- فکر سرکوبگرانه ای تمامی انحصار طلبان را به نمایش میگذارد. اما این اختناق با فعالیت صدها نشریه چاپی و دهها رسانه ای الکترونیکی روز تا روز بیرنگتر شده یخ های سکوت را می شکنند. ملالی جویا در لویه جرگه اضطراری و سخنان بی پرده و مردم دوستانه رمضان بشردوست با چند جمله درد هابی را بیان کرد که سالها در سینه ها حبس بودند و قدرت سر بر آوردن نداشتند. گرچه آنان تهدید و ازوظایف شان برطرف شدند ولی طنین گفته هایشان در داخل و خارج با چنان استقبالی رو برو شد که مانند نداشت. این واکنش های شجاعانه نشان میدهد که مردم هزاران گفته ای ناگفته دارند و مترصد فرصت اند. رسانه های آزاد اگر شهامت بخرج دهند نقش موثری در بیان درد دل های مردم ایفا کرده می توانند. رادیوی آزادی که از چندی به اینسو نمایندگان احزاب را طی میزگرد هایی در برابر پرسش های مستقیم مردم قرار میدهد زمینه ای بیان این ناگفته ها را مهیا نموده، که کاریست در خور تحسین.

سوالات مردم در گذشته از نمایندگان دو حزب درگیر در جنگهای دهه ای هفتاد غرب کابل نشاندهنده آن است که عملکرد های خونبار گذشته فراموش نشده، همچنان در سینه ها ثبت اند که با تمام مظلوم نمایی ها، ابراز سوتفاهم ها و اینکه در مقابل حملات از خود دفاع کرده ایم بعنوان تزویر دانسته شده قادر به پنهان نمودن آفتاب با دو انگشت نیستند. مردم می پرسیدند: چرا قصر تاریخی دارالامان را ویران کردید؟

اینهمه پول را برای مصرف فلان جای از کجا آوردید؟ چرا بر فرق مردم میخ کوبیدید؟ شما چرا خود را نماینده ای مردم فلان قوم قبیلۀ قلمداد میکنید؟ و ... اینهمه پرسش ها که از پشت خط باریک تلفون در زمان بشدت محدودی صورت میگیرد، پرده ها را بالا زده نفرت واقعی مردم را بنمایش میگذارد، مردمیکه اینان خود را نماینده شان می ترانند و بنام شان تجارت کرده، امتیاز میگیرند. حال اگر سایه تفنگ از سر مردم برداشته شود و ملت در بیان نظرات خود واقعاً آزاد گذاشته شوند چه مس و مایه های از اینان که بیاد داده خواهد شد.

پس از فروپاشی طالبان دوباره پخش برنامه های خود را از سر گرفت. چند روز پس از آن شبکه تلویزیونی افغانستان کار خود را آغاز نمود و گوینده آن یک زن بود. روزنامه های افغانستان که قدرت تازه ای پیدا کرده اند از آزادی بیان چشمگیری برخوردارند، اما تعداد آنها زیاد نیست.

پس از سقوط طالبان چندین ایستگاه رادیو و تلویزیون خصوصی نیز آغاز به کار کرده اند. در سال ۲۰۰۴ قانونی به تصویب رسید که در آن انتقاد از اسلام و ادیان دیگر ممنوع اعلام شد. ایستگاه های رادیویی دیگری نیز از خارج برای افغانستان برنامه پخش می کنند. از جمله بی بی سی، سرویس جهانی فرانسه، رادیو اروپای آزاد (رادیو آزادی که بودجه آن از سوی آمریکا تامین می شود)، صدای آمریکا، صدای آزادی (از سوی نیروهای آیساف).

برنامه های سرویس جهانی بی بی سی بر روی امواج کوتاه و اف ام نیز در نقاط دیگر افغانستان به گوش می رسد. در زمان حکمرانی، طالبان رسانه های کشورشیددا کنترل می شدند. رادیوی افغانستان به رادیوی صدای شریعت تغییر نام داد و منعکس کننده ارزشهای اسلام بنیادگرای طالبان بود. تلویزیون نیز به عنوان منشاء فساد اخلاق ممنوع شده بود.

برنامه های سرویس جهانی بی بی سی بر روی امواج کوتاه و اف ام نیز در نقاط دیگر افغانستان به گوش می رسد. در زمان حکمرانی، طالبان رسانه های کشورشدهیدا کنترل می شدند. رادیوی افغانستان به رادیوی صدای شریعت تغییر نام داد و منعکس کننده ارزشهای اسلام بنیادگرای طالبان بود. تلویزیون نیز به عنوان منشاء فساد اخلاق ممنوع شده بود.

نخستین برنامه رادیویی افغانستان توسط رادیو کابل در سال ۱۳۰۷ در زمان شاه امان الله پخش شد. تلویزیون اما در پایان حکومت داوود و پس از کودتای ثوردر سال ۱۳۵۷ به میان آمد. اولین رادیو در افغانستان معاصر به نام رادیو کابل یاد میشد که در پل باغ عمومی کابل مرکز نشراتی آن قرار داشت که از دستگاههای فرستنده موج میدیم (عموماً) پخش میشد، چیزی که قابل یادآوری است این موضوع است که در آن وقت دستگاه گیرنده رادیو بنا بر نبود برق کمتر بود و یا هیچ نبود در سال 1328 اولین رادیوهای که با بطری موتر کار میکرد به کشور وارد و معمولاً تعداد این دستگاهها در هر شهر از پنج الی ده زیاد نبود مردم کسانی را که دارای رادیو(دستگاه گیرنده) بودند به همان نام رادیو مسما میکردند و اغلباً مردمان نزدیک هم به تماشای رادیو و هم به شنیدن آن به محلی که رادیو وجود داشت می آمدند. بعدها دستگاههای بطری خشک رواج پیدا کرد که با بیان آمدن آن تعداد رادیو در کشور زیاد شد و این در حالی بود که هنوز از برق در اکثر شهرهای مهم کشور خبری نبود. در سالهای سی تا چهل - برق در اکثر مراکز شهرها تعمیر یافت و با تعمیر برق تعداد رادیو نیز زیاد شد. بعدتریا به میان آمدن رادیوهای ترانزستور قوه استفاده از رادیو زیاد شد و این موقعی بود که مردم به بی بی سی و صدای مصر و پاکستان و هندوستان آشنایی پیدا کردند از پنجاه سال به این سو مردم با اخبار و نشرات بی بی سی توجه داشتند، اولین خواننده از باتوان در رادیو کابل مستوره جان بود و پسانترها خاتم پروین و بعداً رخشانه، جلوه و آزاده و از مردها نتو، استاد شیدا، رحیم بخش، استاد سر آهنگ، صابر و استاد نبی گل بود و از گروه ارکستر رادیو کابل زلاند، خیال مددی، کیوتر ساریان، آشنا، ناشناس، آرمان و ریحان و دیگرها بودند. ارکستر رادیو کابل با صدای ناب و دلپذیر هنرمندان زنگ را از قلبها میربود. از خوانندگان پشتو از اول میر ملنگ جان و غیره میتوان یاد کرد در لسان پشتو ویاند و در زبان دری نیک محمد قایل و دیگران اخبار میخواندند. رادیو در آن وقت دارای نشریه ای به نام پشتون ژغ بود که با مهارت و زیبایی خاصی در هر پانزده روز چاپ میشد که برنامه های پانزده روزه رادیویی را با دقت تمام برنامه ریزی میکرد. از سالها بدین سو ززمه های شب هنگام من حیث سرود شب آدین قلبها بود.

رادیو در نشر و اشاعه هنر و فرهنگ واقعاً من حیث یک نهاد اکادمیک کار کرده ازین مکتب شاگردانی چون نی نواز و ساریان و ژلاند و ظاهر هویدا و غیره پا به عرصه هنر نهادند. در بخش تیاتر استادان زیادی بودند که نمایشنامه های بلند رادیویی را به راه می انداختند به قسمی که مردم منتظر رسیدن شب جمعه بودند تا نمایش درامه های رادیویی را بشنوند و کیف کنند. در دوران طالبان تلویزیون، وسائل فیلمبردای، ماهواره ها، سینماها، موسیقی و تئاتر و دیگر وسائل ارتباط جمعی و رسانه های صوتی و تصویری، همه و همه منع اعلام و تحریم گردیده بود. افغانستان هم اینک دارای یک اداره رسانه ای ملی به نام «رادیو تلویزیون ملی افغانستان» (RTA) میباشد. این اداره دارای یک کانال تلویزیونی و یک کانال رادیویی میباشد. اگرچه RTA رسانه ای متعلق به دولت است اما طبق قوانین جدیدرسانه ای نه دولتی و نه خصوصی، بلکه رسانه ای مردمی است که صرفاً هزینه اش را دولت تامین می کند. اخیراً دوباره سعی بر این است که نشرات رادیو و تلویزیون ملی افغانستان، بر اساس اصول، روش و پالیسی حکومت کارکرد داشته باشد. علاوه بر RTA رادیو و تلویزیون های خصوصی دیگری در افغانستان وجود دارد که شامل نزدیک به ۱۰۰ شبکه رادیویی و حدود ۱۰ شبکه تلویزیونی می شود.

روزنامه های دولتی:

انیس (به زبان دری)

هیواد (به زبان پشتو)

اصلاح (به زبان دری و پشتو)

کابل تایمز (به زبان انگلیسی)

اتفاق اسلام (به زبان دری در هرات)

روزنامه های غیر دولتی:

چراغ

هشت صبح

آرمان ملی

ویسا

صدای بامداد

افغانستان

راه نجات

اراده

به سوی فردا

ترقی

اوت لوک افغانستان (انگلیسی)...

هفته نامه ها:

آبادي

گنج

کابل

پیام مجاهد

اقتدار ملی

پنجره

مشارکت ملی

کلید

مردم

جامعه ...

راديوهاي دولتي :

راديو افغانستان

راديو هرات

راديو فراه

راديو کندهار

راديو خوست

راديو بلخ

راديو نیمروز

راديو سمنگان

راديو ننگرهار

راديو لغمان

راديو تخار

راديو کندوز

راديو پکتیا (راديو گردیز)

راديو غزنی

راديو هلمند

راديو کنر

راديو فاریاب

راديو غور

راديو بادغیس

راديو بدخشان

راديو بغلان

راديو پکتیکا

راديو زابل ...

راديوهاي خصوصي:

آرمان اف ام

راديو کلید هرات

راديو صبح بخیر افغانستان

آریانا اف ام

راديو سحر

راديو ندای صلح

راديو صدای زن افغان

راديو صدای عدالت

راديو سلام و طندار

راديو آزاد افغان

شرق راديو

راديو صلح پیغام

راديو جبل السراج

راديو شورای قره باغ

راديو باميان  
ملی پيغام راديو  
راديو آمو  
راديو ارتباط  
راديو غزنويان  
راديو نیلی دايکندي  
راديو امام صاحب  
راديو استقلال  
راديو جاغوري  
راديو ندای صبح  
راديو نوبهار  
راديو پکتیکا غږ  
راديو قویاش  
راديو رابعه بلخی  
راديو سباوون  
راديو صدای صلح (کاپيسا)  
راديو صدای صلح (پروان)  
راديو شرن  
راديو سپين غر  
راديو تخارستان  
راديو تراج مير  
راديو وطندار  
راديو يوه والی غږ  
راديو ظفر  
راديو زهره  
راديو آيينه  
راديو حنظله بادغيس  
راديو صدای جوان  
راديو شريعت راديوي غير رسمي و غير قانونی مربوط به طالبان ...  
تلویزيونها:  
تلویزيون ملی افغانستان - دولتی  
تلویزيون بلخ  
تلویزيون هرات  
تلویزيون طلوع (غيردولتی سراسری)  
تلویزيون آريانا  
تلویزيون افغان  
تلویزيون آينه  
تلویزيون لمر  
تلویزيون شمشاد  
تلویزيون تمدن  
تلویزيون نور  
تلویزيون امروز  
تلویزيون فردا  
سیمای غوريان  
تلویزيون هری  
تلویزيون ساقی  
تلویزيون ملت  
تلویزيون آرزو و...  
در حال تاسيس:  
تلویزيون اميد  
تلویزيون کوثر



تلویزیون آریا

خبرگزاریها:

آژانس اطلاع رسانی باخترا(دولتی)

خبرگزاری پژواک (غیردولتی)

خبرگزاری اسلامی افغان (به زبان پشتو و انگلیسی در پیشاور)

خبرگزاری صدای افغان.

تلویزیونهای محلی :

تلویزیون بدخشان

تلویزیون هرات

تلویزیون کندهار

تلویزیون خوست

تلویزیون بلخ

تلویزیون نیمروز

تلویزیون سمنگان

تلویزیون ننگرهار

تلویزیون بغلان

تلویزیون جوزجان

تلویزیون تخار

تلویزیون کندوز

تلویزیون فراه

تلویزیون غزنی

تلویزیون فاریاب

تلویزیون گردیز

تلویزیون هلمند

تلویزیون پکتیا

تلویزیون پروان .

رئیس کمیته بین المللی دفاع از ژورنالستان اظهار نموده است که آزادی رسانه ها در افغانستان که در سال های اول بعد از فروپاشی حاکمیت طالبان انکشاف نموده بود، اکنون در حال خراب شدن قرار دارد. جوئل سیمون رئیس اجرایی کمیته بین المللی دفاع از ژورنالستان بعد از نشر یک راپور در مورد وضعیت رسانه ها و مصونیت ژورنالستان، در یک مصاحبه اختصاصی گفت: آزادی رسانه ها در افغانستان انکشاف نموده بود اما حالا رو به خرابی است. این راپور که در آستانه روز جهانی آزادی رسانه ها ( سوم ماه می ) منتشر شده است، برای کشورها به اساس تعداد قضایای قتل ژورنالستان که بدون تحقیق و بررسی باقی مانده اند، به نمبر معرفی گردیده است. افغانستان در لست ۱۳ کشور در جایگاه هفتم قرار گرفته است، عراق در این لیست در جایگاه نخست، سرا لنون دوم و سومالیا سوم میباشند.

به همین ترتیب پنج کشور دیگر آسیای جنوبی سریلانکا( پنجم )، بنگله دیش ( یازدهم )، نیپال (هشتم)، پاکستان ( دوازدهم ) و هندوستان ( سیزدهم ) نیز در این لیست شامل اند. سیمون افزود که که ژورنالستان در افغانستان در شرایط خیلی دشوار و وخیم کار میکنند و جنگ سالاران محلی محدودیت های را بر آزادی رسانه ها وضع نموده اند. وی میگوید: آزادی رسانه ها در کابل در مقایسه با ولایت بیشتر آشکار است، اما حتی در کابل نیز ژورنالستان تحت فشار گروه های مذهبی قرار دارند. آزادی رسانه ها در سال های قبل انکشاف قابل ملاحظه نموده بود، اما حالا در حال خراب شدن قرار دارد.

حکومت افغانستان باید قضایای قتل ژورنالستان را مورد تحقیق قرار دهد و همچنان یک فضای مطمئن را برای کار ژورنالستان فراهم کند تا آنها در مقابل گروه های مسلح که آزادی رسانه ها را تهدید مینمایند، ایستاده گی کنند.

رئیس کمیته دفاع از ژورنالستان از ممانعت حکومت در مورد نشر سریال های هندی توسط تلویزیون های خصوصی، اظهار نگرانی کرد و از مقاومت تلویزیون طلوع برای مقابله با این تصمیم قدر دانی نمود. به اساس این راپور منتشره، به شمول قتل اجمل نقشبندی هفت قضیه قتل ژورنالستان در افغانستان بدون تحقیق باقی مانده است و همچنان ژورنالستان خارجی نسبت به خبرنگاران محلی بیشتر هدف قرار گرفته اند.

همچنان درمورد آزادی رسانه ها - روزنامه هشت صبح مینویسد، چیزی بیشتر از شش سال از آن روزی می گذرد که حکومت موقت ا در پی توافقات بین آزادی بیان و رسانه ها را به رسمیت شناخت.

حتا برای آن که جنبه تطبیقی آزادی بیان و مطبوعات را بیشتر کرده باشد، قانون مطبوعات به سرعت از سوی شورای وزیران وقت تصویب و با فرمان تقنینی رییس جمهور نافذ گشت. از آن روزگار هرچه زمان می گذشت و

هر قدر که حکومت در پیشرفت و بازسازی ا ناکام می ماند به تنها چیزی که به عنوان مهمترین دست آورد اتکا می کرد، نیز همین آزادی بیان و مطبوعات بود.

حتا کزری بارها وقتی از این دست آورد بزرگ حکومت خودش یاد می نمود، (دهانش کف می کرد) و پیروزمندانه از این دست آورد بزرگ بارها به مسوولین مطبوعات و مردم می گفت تا زمانی که وی بر کرسی ریاست جمهوری حضور دارد، کسی به آزادی بیان و مطبوعات آسیبی نخواهد رسانید. رسانه های زیادی یکی بعد دیگر در افغانستان ایجاد شدند که برخی از آنها به دلیل پاسداری از ارزش های آزادی بیان و استفاده درست از آن در کوتاه مدت توانستند مخاطبان زیادی را به خود جلب کنند - البته در جلب مخاطبان تشنگی و محرومیت مردم نیز بی تاثیر نبود. زیرا مردم سال های سال تنها و تنها به معلوماتی از طریق رسانه های دسترسی داشتند که آنها وسیله مسوولین بر سر اقتدار دستکاری می گردید. در این میان بدون شک برخی جریان های سیاسی، برخی حلقهات قومی و حتا در موارد متعددی حکومت به ویژه دفتر مطبوعاتی رییس جمهور نیز با استفاده از فرصت ایجاد شده، استفاده های خوبی بردند و برخی مطبوعات دستوری را برای تبلیغ ایده های شان و پخش و نشر نمودند. اما خوش بختانه تلاش های حلقهاتی که از آزادی بیان و رسانه ها سواستفاده کردند موثر واقع نشد، زیرا مردم دیگر قادر به این شده بودند که میان معلومات واقعی و معلومات دستکاری شده فرق بگذارند. به همین خاطر هم بود که رسانه های که از سوی حکومت، گروه های خاص سیاسی و قومی تمویل می شدند، عمر زیادی نکردند و یکی بعد دیگر به تاریخ پیوستند. در آن زمان که حکومت به ویژه رییس جمهور کزری با مباحث آزادی بیان و رسانه ها را قانونی اعلام کرد، از یک طرف فشار زیادی از سوی کشورهای غربی وجود داشت تا این کار صورت بگیرد و از جانب دیگر گروهی که بر سر اقتدار آمده بود، تصور می برد که می تواند با استفاده از فرصت ایجاد شده و با مصرف امکانات دولتی و باد آورده خارجی نقش موثری در انتقال معلومات دستکاری شده خویش نیز داشته باشد. این پندار بیجا نبود، به دلیل این که هنوز رسانه های آزاد کم بودند و منابع مالی شان محدود. رسانه های حامی سیاست های حکومت و یا رسانه های شبه حکومتی به خوبی بازار مطبوعات را تسخیر کردند، اما گذر زمان، سرمایه گذاری شرکت های خصوصی و ایجاد رقابت در بازار، فرصت ها را به ترتیبی دیگری رقم زد. رسانه های آزاد به دلیل ارائه معلومات متوازن، غیرجانبدارانه و از همه مهمتر ارایه برنامه ها و گزارش های متنوع و مردم پسند توانستند تبلیغات تجارتي را به سوی خود جلب کنند، ولی رسانه های نوع دوم در این رقابت ناکام ماندند و یا کمتر موفق شدند.

زیرا آنانی که پیام تجارتي داشتند به صورت ساده به جانب رسانه ای می رفتند که مخاطب بیشتر داشت. چنین شد که کم کم عرصه برای تبلیغات و پروپاگاند های حکومت محدود شد و حکومت متوجه گشت که توقعی را که از آزادی بیان داشته است، نتوانسته بدست بیاورد.

به همین خاطر است که اکنون وزیر اطلاعات و فرهنگ آزادی بیان را یک فرهنگ وارداتی می خواند و وقتی هم از رییس جمهور در مورد پخش سریال ها پرسیده می شود با زیرکی از پاسخ دادن می گریزد و عقاید مردم را در این رابطه مثال می زند. معلوم نیست که کزری در اولین روزهای که آزادی بیان و رسانه ها را قانونی اعلام کرد و حتا زمانی که قانون اساسی تصویب می شد بر درج این ارزش ها به عنوان یک حق قانونی برای هر شهروند افغانستان چرا به مخالفت برخاست و آن وقت ها چنین نگفت.

یا خرم که دست نشانده ایشان می باشد، نیز در آن هنگام که وزیر نبود حتا یک مقاله یا سخنرانی در نکوهش آزادی بیان و رسانه ها ننوشت و ایراد نکرد، زیرا در آن وقت گمان کزری و حامیان ایشان این بود که از آزادی بیان می توانند به خوبی استفاده کنند، خیال خام. بعد از ناکامی دولت در عرصه فوق الذکر با شدت تمام بر علیه مطبوعات و آزادی بیان وارد نبرد گردیده است. دولت بخاطر یک مقاله کامبخش را به اعدام محکوم نمود و غوث زلمی را به زندانی بی سرنوشتی تحویل داد و ده ها ژورنالیست دیگر را امنیت ملی تهدید و به زندانهای کوتاه قلفی کشانید. حکومت ها طبیعتا همیشه میل به اقتدار گرایی دارند و نمی خواهند در برابر شان جریان های مخالف و نا موافق قد علم کنند. حتا حکومت های آمریکا و اروپا نیز با آن دموکراسی های عنعنوی و قوی خود رغبت چندانی به این ندارند که مطبوعات از عملکرد های شان انتقاد کنند. واضح است که رشد بیشتر آزادی بیان و رسانه ها در افغانستان ضعف های حکومت را برجسته تر می کند و حکومت با آشکار شدن ضعف هایش هر روز در اذهان مردم محبوبیت خودش را از دست می دهد. حکومت کزری هم که از شمار حکومت های به حساب می آید که میزان شکست ها و اشتباهاتش به مراتب بیشتر از محسناتش است، یا اصلا کارشایسته ندارد که بتوان آن را در رسانه ها بیان کرد. به همین خاطر حکومت تلاش کرد تا با ارسال نامه ای از جانب ریاست امنیت ملی برخی محدودیت ها را بر رسانه ها وضع کند.

بعد از آن اجمل نقشبندی گرفتار طالبان شد و حکومت برای رهایی او هیچ کاری نکرد تا سرش را بریدند، برخی روزنامه نگاران بدون توجه به طی مراحل اصولی ای که قانون مطبوعات پیشنهاد می کند به سارنوالی معرفی شدند، چندین تن از اصحاب مطبوعات تکفیر، محکوم و به زندان انداخته شدند و بعد تر خرم به رسانه ها نامه نوشت که در گزارش های شان در مورد ایران متوجه برخی نکات باشند، بعد تر شورای علما در برابر سریال ها ایستاد... و اکنون معلوم نیست که بعدها کی ها چه کارهای دیگری خواهند کرد.



اما آنچه مسلم است این است که دیگر حکومت و شخص کرزی حامی آزادی بیان نیست. حکومت از آزادی بیان، این نهالی که به دستان خودش کاشته شده و اکنون قد کشیده، هراس دارد. سو استفاده های مالی اعضای خانواده مقام های دولت از سوی مطبوعات افشا می شوند، دست داشتن برادران و خویشاوندان مقام و خود مقامات در قاچاق و کشت مواد مخدر از سوی این رسانه ها منتشر می شود، ضعف مدیریتی، فساد و صد ناکامی دیگر حکومت از سوی رسانه ها به تحلیل و بررسی گرفته می شود و صدها رسوایی دیگری که رسانه ها شاید بخش های کوچکی از آن را نشر می کنند و یا به آن دسترسی پیدا می نمایند.

پس از شش سال اکنون کم کم ما شاهد ویران کردن بنای لرزان آزادی بیان از سوی حکومت کرزی هستیم که روزی از آن به عنوان یک افتخار یاد می کرد. اما آیا این جدل به این سادگی به پایان خواهد رسید؟ در بیانیه ی سفارت آمریکا در کابل به نقل از رییس جمهور این کشور، از آزادی مطبوعات به عنوان جز جدایی ناپذیر یک جامعه ی آزاد نام برده شده است.

در بیانیه ی سفارت آمریکا در کابل به مناسبت روز جهانی آزادی مطبوعات آمده است: حکومت هایی هستند که به دنبال سرکوب کردن آزادی هستند که اغلب با تعطیل کردن روزنامه ها ی شخصی، رادیو و تلویزیون ها درصد سر کوب کردن این آزادی هستند. در بخش دیگری از این بیانیه آمده است روزنامه نگاران باید قادر باشند بدون ترس و آزاد اخبار و وقایع را گزارش نمایند. در این بیانیه از کشورهای کوبا، چین، اریتره، لیبی، کوریا ی شمالی، سوریه و زیمبابوه به عنوان کشورهای سرکوب کننده آزادی مطبوعات نام برده شده است. سفارت آمریکا در این بیانیه اضافه کرده است که آمریکا آزار، شکنجه فیزیکی و تهدید روزنامه نگاران را به شدت محکوم می کند. در این بیانیه همچنین آمده است که آمریکا در سالی مالی گذشته و جدید میلیون دالر را برای تقویت آزادی بیان در حدود چهل کشور دنیا هزینه کرده است.

از جانب دیگر سخنگوی جبهه ملی و رییس پیشین اتحادیه ملی خبرنگاران (سنگچاری) با انتقاد از حکومت می گوید که دولت هیچ نقشی در گسترش آزادی بیان نداشته است. به عقیده وی گسترش آزادی بیان در کشور به خاطر حضور جامعه جهانی و تلاش روزنامه نگاران جوان کشور در شش سال گذشته بوده است. قانون رسانه ها بدون کدام حمایت و دعوت از مطبوعات مدت ها روی میز پارلمان ماند و توسط رئیس جمهور که ادعای حمایت از رسانه ها را می کند مسترد گردید.

در یک سال گذشته در افغانستان سه خبرنگار جوان (یک مرد و دو زن) توسط طالبان و مخالفین آزادی بیان کشته شدند و دولت هیچگونه اقدامی برای شناسایی و مجازات قاتلین آنها ننموده است.

رییس پیشین اتحادیه ملی خبرنگاران می گوید که فشارهای موجود بر رسانه های کشور انگیزه های سیاسی دارد. به گفته وی رسانه های خصوصی نقش روشنفکری و تابو شکنی دارند و دولت سعی می کند که از این طریق منابع مالی این رسانه ها را بخشکاند. وزارت اطلاعات و فرهنگ اخیراً تلویزیون های طلوع و افغان را به خاطر نشر سریال های هندی به لوی سارنوالی معرفی کرده است. در عین حال بان کی مون سرمنشی سازمان ملل متحد با نشر بیانیه ای، رسانه ها را یکی از پایه های صلح و مردم سالاری خوانده و حمله به آزادی مطبوعات را هجوم علیه حقوق بین الملل، بشریت و آزادی دانسته است.

ملل متحد در روز جهانی آزادی مطبوعات از تمامی جوامع خواسته است تا از هیچ تلاشی برای اجرای عدالت در خصوص عاملین حمله به روزنامه نگاران کوتاهی نکنند.

[دست اندرکاران مطبوعات و همه رسانه های اطلاع رسانی باید جهت حصول اطمینان از این که](#)

[اطلاعات واصله توسط عموم، واقعاً صحیح، باشد. هر کاری در توان آنهاست انجام بدهند. آنها](#)

[بایستی همه اقلام اطلاعات را با حداکثر توان خود بازبینی نمایند. هیچ حقیقتی عمداً تحریف نشود و](#)

[هیچگونه حقایق ضروری عمداً مخفی نگاه داشته نشود. از اعلامیه ملل متحد.](#)

از جانب دیگر شوربختانه با دسترسی عقده مندان و بیماران روانی به اینترنت و وسایل کامپیوتری، دشنام و جفنگ رواج پیدا نموده و درین شیوه غیرانسانی گراف جنایت باگذشت هر روز سربه بالا میرود.

باانده و درد، مدتی است که در نشریه های بیرون و درون مرزی کشوری سلسله دشنام نامه های رکیک و غیراخلاقی و غیرعلمی بدست نشر سپرده میشود و مسوولین و دست اندرکاران این نشریه ها بدون اینکه شناخته شوند که در گذشته ها چه کاره و چقدر در مورد ژورنالیزم و اخلاق ژورنالیستی میدانند و در این آشفته بازار مصروف نشروپخش چرند و پرند این و آن دوست حزبی، سیاسی و تنظیمی خویش اند.

چرا باید اینها اینچنین مستبد و خود کامه باشند؟ آنها آزاد یهای فردی و انسانی را به تاراج برده و حق اندیشه و تفکر انسانها را سلب میکنند. در قاموس این تهی مغز ها، آزادی بشر و آزادی اندیشه و هر چیزی که به آزادی ختم شود و بویی از استقلال و آزادی داشته باشد معنا و مفهوم ندارد.

آنها به شعور انسانها توهین میکنند، آنها انسان را در هم میشکنند و به شرف انسانها و به آزادی، دموکراسی و عفت قلم تجاوز میکنند.

با دسترسی تعدا دافرا د عقده مند و مریض به اینترنت، تحت نام های مختلف که حتا بعضی این نام های مستعار و نام که به ویسایت و وبلاگ گذاشته اند نه تنها غیر اخلاقی بوده بلکه باعث آبروریزی کشور، خود و قلم بدستان نیز میگردد. درین نشریه ها هر آنچه که وجدان خفته آنان اجازه میدهند به این ادرس و آن ادرس رکیک ترین

دشنام و اتهام را وارد و از این طریق به اصطلاح رقیب تنظیمی و حزبی خویش را شکست میدهند. با اندوه فراوان که درین بی اخلاقی تعداد انشریه ها و انسانیهای کودن و بی بندوبار که بنام حوادث نگار، منتقد و مقاله نویس سربرافراشته اند و به عقیده خویش قلم میزنند، از هیچگونه چنل نویسی و جفنگ گویی دریغ ننموده و بزرگان که درین مسیریان را تشویق و ترغیب مینماید دلشاد و حقوق بیشتر میپردازند.

متأسفانه مرجع و مقامی نیز وجود ندارد تا ازین بی نظمی و بی عفتی جلوگیری نموده عزت و ابروی کشور و عفت قلم را حفظ نمایند. از طرف دیگر با رواج پیدا کردن نقد و انتقاد در نشریه های بیرون مرزی که درین روزها بازار گرمی دارد، هر آنچی که گفتنی و رفتنی، تنظیمی و تنظیم سالاری، تفنگ و تفنگ سالاری، چوروچپاولگری، حزبی و غیر حزبی، شخصی و رسمی، دشنام و اتهام و... که درقا موس غیر اخلاقی آنان جای دارد به این نام و آن نام فرستاده می شود.

مگر این را می گویند دموکراسی و آزادی بیان و عفت قلم؟

آیا مسوول این نشریه ها وجداناً ناراحت نمی شوند؟

آیا قلم بدستان و خوانندگان با مطالعه آن هزارگونه دشنام به آدرس نشریه و مسوول آن ولو هر که و به هر نامی که باشد نمی فرستند؟

آیا نویسنده و مالک نشریه که اهداف سیاسی اش را تحت نام مستعار خود و نام اخلاقی و غیر اخلاقی که به نشریه شان گذاشته اند میتوانند مخفی نمایند؟

آیا نقد کردن و نقد نوشتن این قدر ساده و آسان است که با نوشتن چند پاراگراف راست و دروغ خود را منتقد دانست؟

آیا دشنام دادن و اتهام بستن میتواند درد ملت و میهن را دوا نماید؟

زمانیکه این انسانیهای کج اندیش به این و آن تهمت و دشنام میفرستند و برای یکبار هم اگر میشود از عفت قلم

و از خانواده و فامیلش که در اطرافش نشسته اند خجالت نمیکشند؟ آیا سردرگریان و وجدانش فروبرده به این نمی

اندیشد که این پاراگرافها و نوشته ها نمایندگی از تربیه فامیلی و اسم و رسم خانوادگی اش مینماید؟

آیا شخصی که مورد تاخت و تازی رحمانه قرار گرفته به تربیه فامیلی و کانون خانوادگی و یصدها هزاران دشنام

نمیفرستد؟ آیا این وبسایتها، وبلاگها و منتقدین بی عزت - از خود، از وجدان و از مقدساتش خجالت نمیکشند؟

انانیکه تادیور و بامین و بم، با راکت و طیاره، با توپ و تانک، با سکر و کلستر و بازندان و اعدام مصروف قتل

و کشتار و ترور و نابودی بودند و با تنگ شدن شرایط اجتماعی و تامین عدالت و قانونیت در کشور فرار رابه قرار ترجیح

داده و با سرمایه های هنگفت از چوروچپاول دارای های عامه، قاچاق سرمایه های ملی بشمول معادن کشور، موزیم

ملی و موزیم های سه گانه قوای مسلح و بانکها و ادارات دولتی ... بخارج کشور رسیده اند و یافامیل خویش را انتقال

و خود پاسپورت و ویزه آماده برای فرار در جیب دارند و امروز باره اندازی صفحات اینترنتی، مصروف و مشغول

ترور شخصیت های فرهنگی و ادبی کشور اند.

این بیماران روانی در پهلوی دشنام، توهین و تحقیر با جمع آوری مطالب توهین گونه به این و آن نام در این نشریه

و آن نشریه مصروف و مشغول جعل نام، مقاله و نوشته ها هستند و بعداً در همین نشریه ها به دشنام گویی و توهین

مخالفین سیاسی و تنظیمی شان میپردازند. زیاد نشریه های وجود دارد که بنام اینکه نشریه شان: سیاسی،

اجتماعی و فرهنگی بوده و وابسته به هیچ جریان سیاسی نبوده و مشی مستقل را در دفاع از دموکراسی و آزادی

تبلیغ و پیش میبرد و مدافع فرهنگ عالی انسانی است و هرگونه تنگ نظری قومی، فرقه ای و عقیدتی را رد می کند.

و کانون اندیشه نویسندگان و قلم بدستان است.

ولی عقب این کلمات منفردترین و بدنامترین انسانیهای وطن سنگر گرفته اند و مصروف چنل نویسی و تحقیر و توهین

انسانیهای ارجمند وطن هستند. تعداد مسوولین این صفحات اینترنتی در چهار فصل سال پای کمپیوتر و اینترنت نشسته

و مصروف این عمل کودکانه اند. بارها گفته شده که این چپاولگران اگر پول چوروچپاول مردم فقیر و گرسنه وطن

نمیبود و اینان از بام تاشام مصروف تهیه لقمه بی نانی برای اطفال شان میبود هرگز چنین رذالت و بی همتی نمیکردند.

اندوه بارترا اینکه اینان باتهیه و تنظیم مقاله ها، دست نوشته ها، نقد های اتهام گونه، تهیه اشعار و مضامین ادبی به

این نام و آن نام در نشریه های که وسیله سران این شرارت پیشگان کمک و حمایت پولی و سیاسی میشود، باتهیه ای

میل های گوناگون به نام اشخاص و افراد، بعد از مدتی پای انقادات انتقام گونه نشسته و مخالفین اعتقادات خویش را

چلوصاف نموده و از سرانی بدنام خویش تحفه و جایزه دریافت میدارند.

اینان یک گروه شرارت پیشه است که تقریباً همه آنان دیگر شناخته شده و به اصطلاح طشت رسوایی شان از بام

افتیده است. منابع قابل استفاده: گزارشگران بدون مرز، تیبان، دیباچه، تعامل حقوق و اخلاق در رسانه ها،

پیشگو، و یکی پدیا، منابع خبری کشور.

**حقایق بعدی در صورت ادامه روند جنگ و جفنگ گویی - بی پرده و افشاء گرانه خواهد بود تا**

**هموطنان بدانند که این بیماران، بیکاران و چپاولگران تازه به دوران رسیده کیا اند.**

